

تحلیل و بررسی مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی زنان در آثار استاد داریوش مهرجویی (مطالعه موردی فیلم‌های هامون، بانو، سارا و لیلا)

نوید دهقانی^۱، ملینا دهقانی^۲

۱. کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه پیام نور، واحد تهران غرب.
۲. پژوهشگر حوزه رسانه و علوم ارتباطات اجتماعی.

چکیده

استاد فقید، داریوش مهرجویی، کارگردان، نویسنده، مترجم و شاعر برجسته ایرانی، در آثار ماندگار هنری خود به صورت کاملاً برجسته و نمایان به بررسی جایگاه عالی فرهنگی و اجتماعی زنان در عرصه جامعه پرداخته و آن را مورد نقد و کنکاش قرار می‌دهد. در اغلب آثار شاخص سینمایی، استاد داریوش مهرجویی، تصویر زنان به عنوان شخصیت‌های قدرتمند، پر رنگ، محوری و مستقل ارائه شده است. از دیدگاه ایشان، زنان به عنوان ستون‌های اصلی و تکیه‌گاه در خانواده و همچنین در بعد وسیع‌تر آن؛ یعنی جامعه نمایش داده می‌شوند. همچنین زنان نقش‌های چندگانه‌ای را در حفظ همبستگی خانوادگی و تحقق ماهیت‌های فکری مستقل در جامعه ایفا می‌نمایند. به علاوه، زنان در آثار داریوش مهرجویی (به‌ویژه در فیلم‌های سارا، پری، بانو و لیلا)، محور اصلی داستان بوده و تأثیر قابل توجه و چشمگیر در پروسه شکل‌گیری رخدادها در بستر فیلم دارند. ایشان در مقام نویسنده نیز با قلم خلاقانه خود، موفق شده است تا معضلات، نابرابری‌های جنسیتی و آرمان‌طلبی و تناقض‌های اجتماعی که در جامعه کنونی بر زنان این مملکت روا شده را به بوتۀ نقد بگذارد. ایشان با طراحی فیلمنامه‌هایی به غایت هدفمند، زندگی زنان را در وضعیت‌های بحرانی و چالش برانگیز به نمایش می‌گذارد. استاد مهرجویی در اغلب آثار شاخص‌شان نشان می‌دهند که زنان، نیاز به تحرک اجتماعی دارند تا به جایگاه مدنی و فرهنگی مورد نظر خود دست یابند. در کل، نگاه داریوش مهرجویی به جایگاه فرهنگی و اجتماعی زنان در آثارش با تأکید بر پرسشگری، عدالت‌طلبی، آرمان‌خواهی و استقلال زنان همراه است. ایشان بر این اعتقاد و تفکر پافشاری دارند که بهبود جایگاه زنان در جامعه می‌بایست با تغییر و بازنگری در نگرش اجتماعی و فرهنگی کلی اساس جامعه آغاز گردد. در این مقاله با بررسی نقش محوری و مرکزی زنان در فیلم‌های هامون، لیلا، سارا و بانو به این موضوع پرداخته و نقش برجسته آن‌ها را نگاه استاد داریوش مهرجویی مورد نقد قرار می‌دهیم.

کلیدواژه: داریوش مهرجویی، زنان، جامعه، فرهنگ، اجتماعی، فیلم.

1. navid-dehgani-damavand@yahoo.com

مقدمه

مهمان مامان وجود داشته و نمایان است. آثار او مقید به یک دوره خاص نیست و مفهومی که در فیلم‌ها بیان می‌شود، به همه زمان‌ها تعمیم مستقیم می‌یابد؛ به‌طور مثال، فیلم سینمایی «پری» نمایشگر سلوک و سرگشتگی انسان است. به‌خصوص نسل جوانی در میان دو دنیای مدرن و سنتی گرفتار شده، ارتباط دارد و این یک مفهوم ابدی و ازلی است؛ چون اساساً به قول ژان پل سارتر «انسان تلفیقی است از فرشته و شیطان و فضیلت انسانی در این است که بتواند آن نیم شیطانی را تحت کنترل نیم فرشتگی در بیاورد» و ما این اتفاق را در چند فیلم برجسته داریوش مهرجویی می‌بینیم.

پیشینه تحقیق

تأثیر شگرف و غیرقابل انکار سینما برای خارج شدن از وضعیت تحمیلی بر زنان در جامعه که همانا بر شمردن آنان به‌عنوان جنس دوم بودن است، در زندگی روزمره در عرصه‌های مختلف جامعه قابل مشاهده است. دلیل اصلی بازنمایی مقوله فمینیسم در ساخت فرهنگ و جامعه، بدان معنا و مفهوم است که نقش زن بتواند کنار و هم‌دوش مرد در جامعه، منشأ تحولات سازنده شود. در بعد دیگر خروج از وضعیت زنانگی، نقش مادرانه، (با نگاه مذموم خدمتکار بودن در خانه) دلیل دیگر بازنمایی فمینیسم است. این تلاش موجب ساختار شکنی و خروج از وضعیت تحمیلی است (بنی‌اعتقاد، رخشان، ۱۳۸۸، ۲۵).

زنان پیش از ظهور انقلاب اسلامی، در تعیین سرنوشت خود گامی عقب‌تر از مردان داشتند. بدین معنا که مردان فقط در حوزه عمومی و سیاسی نافذ بودند؛ ولی زنان هم در عرصه عمومی و هم خصوصی، تحت سلطه جامعه مرد سالار و محروم از فعالیت‌های مدنی بودند. زنان پس از انقلاب اسلامی آگاه‌تر شده و توانستند از حداکثر توان خود در جهت احقاق حقوق اجتماعی و فرهنگی خود بهره‌برند. (لاجوردی، رضا، ۱۳۸۸، ۱۱۹).

در نگاهی به فیلم‌های ساخته‌شده سینمایی (۳۵ میلیمتری) در نیمه اول دهه هفتاد، اگرچه پایگاه اجتماعی مردان کمی بالاتر از پایگاه اجتماعی زنان به تصویر کشیده شده است؛ ولی هرچه به سمت نیمه دوم این دهه و دهه هشتاد نزدیک می‌شویم، باتوجه به تغییراتی که در موقعیت فرهنگی و اجتماعی زنان به‌وجود آمد و شکل گرفت، از میزان نقش‌های کلیشه‌ای خانوادگی زن و مرد کاسته و بر میزان نقش‌های شغلی، جنسیتی، مطالبه‌گری و شهروندی آنان افزوده شد. (آقا بابایی و همکاران، ۱۳۸۷).

در فیلم‌های سینمایی گل‌های داوودی ساخته رسول صدرعاملی، مادیان ساخته علی ژکان و باشو غریبه کوچک ساخته استاد بهرام بیضایی، با روایت از زنانی روبه‌رو می‌شویم که با کارهای ابتدایی، مقوله سنت را به چالش کشیده، با تلاش، به دور از همسر، زندگی خود و فرزندان را می‌گذرانند (مرادی کوچی، ۱۳۸۰).

یکی از راهکارهای دستیابی به شناختی بهتر و اصولی‌تر از جامعه و تحولات پیش‌روی آن، بررسی و واکاوی آثار ساخته شده هنرمندان است که در این بین، مادیوم رسانه جایگاه مهمی دارند. آنچه رسانه به منصفه ظهور می‌گذارد، برگرفته از لایه‌های جوامع است. یکی از دغدغه‌هایی که عموم ارباب رسانه در بازتعریف‌ها به آن توجه ویژه خواهند داشت و جایگاه رفیع را به خود اختصاص و از آن خود نموده، دغدغه و نوع نگاه به مقوله جنسیت به‌ویژه بازنمایی مشکلات و معضلات زنان در بطن و عمق جامعه است. به‌طور کل، می‌توان گفت گفتمان‌های متعددی در ساخت تصویر از زنان در جامعه نقش داشته و این نوع گفتمان‌ها از طریق مادیوم‌های متعددی عمل می‌کنند که مطرح شدن در فیلم‌های سینمایی از بهترین آن‌ها هستند (میرفخرایی و فتحی، ۱۳۹۰).

استاد داریوش مهرجویی، نویسنده ایرانی است و رویکرد ایشان حاکی از این است که به نقش زن در آثارش اهمیت می‌دهد. شخصیت‌های محوری زن در آثار داریوش مهرجویی عموماً شخصیت و ذات قوی و مستقل دارند. داریوش مهرجویی، نقش زنان در جامعه و خانواده را تشریح نموده و نقد می‌کند. او بر تلاش‌های وافر زنان برای برابری، آزادی و یافتن هویت خود تمرکز نموده است. توانمندسازی زنان همچون به‌دست آوردن توانایی در تصمیم‌گیری‌ها و ایفای نقشی فعال در جامعه را می‌توان از موضوعات مهم آثارش برشمرد. در آثار مهرجویی، شخصیت‌های زن اغلب خواسته‌ها و تمایلات خود را با بیانی راسخ و شجاعانه نمایش می‌دهند. آن‌ها هنجارهای جنسیتی (بایدها و نبایدها) را در جامعه به چالش می‌کشند و برای تحقق بخشیدن به خواسته‌های خود تلاش می‌کنند. نمایش این شخصیت‌ها همچنین الهام‌بخش و تشویق زنان دیگر در جامعه خواهد بود.

داریوش مهرجویی، کارگردان، نویسنده و مترجم ایرانی است که در شکل‌دهی به جریان موج نوی سینمای ایران در آغاز دهه ۵۰ شمسی تأثیرگذار بوده است. می‌توان از او به‌عنوان پیشگام طرح مسائل زنان در سینمای ایران نام برد. در بررسی فیلم‌های او، زنان در نقش‌های جنسیتی به‌عنوان همسری فعال و در چهارچوب روابط پایدار و سراسر کنش خانوادگی به تصویر کشیده شده‌اند. نقش مادر نیز در آثار او بازنمایی کمتری داشته است. تأکید بر نقش همسری به‌عنوان «هویت نقشی مسلط» در فیلم‌های مهرجویی بر هویت‌های نقشی دیگر غلبه دارد (آذری، تاکی، ۱۳۹۰). تصویر مثبت از زنان در رسانه و هنر به‌طور مداوم با کلیشه‌های فرهنگی برگرفته از اجتماع همراه بوده که بازتولید و تکرار آن منجر به تقویت هنجارها و ارزش‌های منتسب به حقوق زنان در جامعه می‌گردد.

فی‌الواقع آثار داریوش مهرجویی فراتر از زمان خود حرکت کرده و اصطلاحاً بدون تاریخ انقضاست. البته این اتفاق در تمام فیلم‌هایشان رخ نداده؛ اما در اکثر آثار همچون درخت گلابی، اجاره‌نشین‌ها، بمانی و

در یکی از کنکاش‌های انجام شده، به بررسی سه فیلم داریوش مهرجویی؛ پری، بانو و لیلیا از منظر عرفان فمینیستی توسط محقق پرداخته شده است و عقیده دارد زنان در این سه اثر، زنانی منزوی براساس اندیشه‌های عرفانی مدرن، ساخته و پرداخته شده‌اند (اسماعیلی، وحید، ۱۳۸۸).

مخاطبان هنر هفتم، در اواخر دهه‌های هفتاد و اوایل هشتاد، آگاهانه و با نگاهی عمیق و پرسشگر در آثار سینمایی مطالبات زنان در جامعه را پیگیری می‌نمودند. در همین راستا، فیلم‌های کارگردانان زن از پرفروش‌ترین‌ها محسوب می‌شدند. آثاری همچون «روسری آبی ساخته رخشان بنی اعتماد»، «دو زن ساخته تهمینه میلانی»، «بانوی اردیبهشت ساخته رخشان بنی اعتماد»، «واکنش پنجم ساخته تهمینه میلانی»، «زندان زنان ساخته منیژه حکمت»، «سیب ساخته حنا مخملباف»، «زیر پوست شهر ساخته رخشان بنی اعتماد»، «شمعی در باد ساخته پوران درخشنده»، «گیلانه ساخته رخشان بنی اعتماد»، «نیمه پنهان و زن زیادی ساخته تهمینه میلانی» از این دست به شمار می‌روند که در هر کدام به زوایایی از زندگی زنان در جامعه و خانواده نگریسته شده است (مردمک، ۱۳۸۷).

محققان، رفعت جاه و هومن مقاله‌ای را با نام «تحلیل روایی و نشانه‌شناختی تصویر زن مطلقه در سینمای ایران» به نگارش درآورده‌اند. آن‌ها در تحقیق خود سعی نموده‌اند تا سوژه زن مطلقه را در محتوای روایی سینمای ایران بررسی نمایند. برای این کار، رویکرد ساختارگرا در نظریه بازنمایی استوارت هال را به‌عنوان چهارچوب نظری تعیین و با استفاده از ساختار روایت بارت و تحلیل نشانه‌شناسی فیسک در سه سطح واقعیت، بازنمایی و ایدئولوژی، فیلم‌های مورد نظر خود را تحلیل و ارزیابی نموده‌اند. دو فیلم «ناهد ساخته آیدا پناهنده» و «استراحت مطلق ساخته عبدالرضا کاهانی» توسط پژوهشگران برای تحلیل و بررسی انتخاب شده‌اند. نتایج این تحقیق، نشانگر این موضوع است که با وجود آنکه به عنصر (زن مطلقه) با تدبیر و درایت نگاه و در نهایت پرداخت شده در محیط مردسالار پیرامون خود، نادیده انگاشته و ضربه می‌خورند و در نهایت باوجود تمامی تلاش‌های وافر، مغلوب می‌شوند.

تاریخچه‌ای از قوانین

قبل از سال ۱۳۷۶ (زمان دولت آقای هاشمی رفسنجانی) ساختاری از قبیل ممیزی در صنایع فیلم (مثل شورای کمیسیون فیلمنامه) به شدت طرح‌های اولیه و مضامین فیلمنامه‌ها را بررسی و کنترل می‌نمود و اجازه طرح بسیاری موضوعات (از جمله دغدغه‌های اجتماعی) در فیلمنامه‌ها و پرداخت آن‌ها را نمی‌داد. همچنین شورای کمیسیون فیلمنامه (ارزشیابی و نظارت) در قالب دفترچه‌هایی که به تهیه‌کنندگان می‌داد نحوه پدیدار شدن کاراکترهای زن در فیلم‌ها را تعریف و مشخص می‌نمود. به دنبال فضای باز سیاسی در دوره اصلاحات (دولت آقای سید محمد خاتمی) اقدامات قابل توجه در حوزه مدیریت سنجش و ارزشیابی سینمایی کشور صورت گرفت و برخی از مراحل اداری و کاغذبازی حاکم بر روند تولید فیلم حذف گردید. کمیسیون بررسی و نظارت و

همچنین شورای تصویب فیلمنامه که پیش از آن به‌عنوان گلوگاه اصلی در فرایند تولید، وظیفه تصویب فیلمنامه را جهت ساخت به عهده داشت، حذف و به جای آن شورای دیگری پدید آمد که تنها در صورتی که کارگردان و تهیه‌کننده فیلمنامه را برای دریافت پروانه ساخت ارائه دهند، این شورا با خواندن فیلمنامه و درجه‌بندی آن (به‌صورت درجات الف، ب، ج) میزان حمایت دولتی از پروژه مورد بحث را تعیین خواهد کرد» (طالبی‌نژاد، ۱۳۷۷). به این ترتیب، فرایند تصویب فیلمنامه که طی دهه پیش از آن جریان داشت و عملاً فیلمنامه را به‌عنوان عنصر طلایی تولید یک فیلم تبدیل به کالایی صرفاً تجاری کرده بود، از بین رفت.

مقوله سینما توانست با طرح موضوعات بدیع با ارائه الگویی مناسب و نمایش توانایی‌های زنان به بهبود شرایط و جایگاه زنان در جامعه یاری‌گر باشد. پر واضح است که ناتوان و یا کم توان نشان دادن نیمی از جمعیت یک جامعه، اثرات مخرب و جبران‌ناپذیر در فرایند تکمیلی فکری، رشد و توسعه آن جامعه خواهد داشت. این نهاد خواهد توانست در کنار دیگر نهادهای فرهنگی و هنری، در چگونگی شکل‌گیری نگرش و ذهنیت مردان و زنان، نسبت به توانایی‌ها و تبدیل قابلیت‌های بالقوه به بالفعل، تأثیر به‌سزایی گذارد.

در قالب فیلم‌های استاد داریوش مهرجویی، زنان نقش ویژه‌ای داشته و تصویری ماندگار از آنان ارائه شده است. علاوه بر اینکه در اکثر فیلم‌هایش نقش محوری برای زنان در نظر داشته، چهارگانه‌ای با نام زنان ساخته است که بنا بر نظر مخاطبان و منتقدین، هنوز هم بعد از سال‌ها نه تنها از اعتبار و اهمیتشان کاسته نشده؛ بلکه بر آن افزوده نیز شده است. داریوش مهرجویی، یکی از کارگردانان برجسته و از چهره‌های اصلی «موج نو» سینمای ایران محسوب می‌شود که طی پنج دهه فیلمسازی، مطرح‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران را از نگاه مطالبه‌گری زنان ساخته است. وی که به‌عنوان یکی از سردمداران «اقتباس» نیز شناخته می‌شود، سلسله فیلم‌هایی را در دهه هفتاد شمسی کارگردانی نمود که فضایی تلفیقی از سلوک، عرفان و فمینیسم (مطالبه‌گری زنان) را به هم پیوند زد. چهارگانه‌ای به ترتیب سال ساخت با نام‌های «سارا»، «پری»، «بانو» و «لیلیا» که از درخشان‌ترین آثار در کارنامه هنری مهرجویی هستند (به‌ویژه فیلم سینمایی بانو که با توجه به ماهیت انتقادی‌اش سال‌ها توقیف گردید) و به نوعی امتداد سنجش آثار منحصربه‌فرد هنری‌اش را نمایان ساخته است. تصویری که مهرجویی از مقوله زنان در فیلم‌هایش ترسیم و نشر می‌دهد، تصویر زنانی عارف مسلک و به ظاهر منفعل؛ اما در باطن کاوشگر و جست‌وجوگر است که اعتراض‌شان را به نحوی متفاوت از زنانی که پیش‌تر یا حتی بعضاً پس از این در عرصه سینمای ایران مطرح شده‌اند را جلوه‌گر ساخته است.

نگاهی به فیلم بانو

استاد داریوش مهرجویی در فیلم «بانو» با نقش‌آفرینی بی‌نظیر مرحومه بیتا فرهی، از واقعیتی تلخ و مهلک رونمایی کرده است. زنی عارف و تحصیلکرده، مهربان و دل‌رحم که به دیگران (نمایی از جامعه زیر خط فقر) کمک می‌کند و رفته‌رفته درمی‌یابد دیگر حتی مالک اموال خودش

یک کلبه جنگلی به آتش کشیده است. برادر دیگرش به نام داداشی (خسرو شکیبایی در دو نقش) که خود تجربیات مشابهی در زمینه عرفان و سلوک را در گذشته از سر گذرانده است، سعی می‌کند با صحبت کردن، خواهرش را به زندگی عادی برگرداند.

باز تعریف هویت اجتماعی

زنان مطالبه‌گر و پرسشگر (در بازه زمانی ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۵): از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۶ قهرمان فیلم‌ها، زنانی مطالبه‌گر هستند که تلاش دارند هویت از دست رفته‌شان را بازتعریف نمایند. این سبک تفکر و نگاه خاص، از فیلم سینمایی هامون شروع می‌شود. مهشید نمونه‌ای از این دسته زنان به‌شمار می‌رود که شباهتی به تصویر ارائه شده از زنان در گذشته سینمای ایران ندارد. زنی تحصیل کرده، هنرمند، متجدد و امروزی که رودرروی فرهنگ پدرسالاری سنتی و به نوعی، نماینده آن سبک تفکر، حمید هامون قرار می‌گیرد و ماهیت آن را مورد سؤال قرار می‌دهد و خواهان تغییری نوین در زندگی شخصی و اجتماعی‌اش است که بتواند هویت خویش را مثمرتر از گذشته بازتعریف نموده و بگذراند. در فیلم سینمایی بانو، شخصیت بانو نیز در قالب زنی وابسته به سنت‌های عوام، با قرار گرفتن در تقابلی ناخواسته با همسرش تصمیم به بازتعریف هویت فکری خود می‌گیرد. در فیلم سینمایی سارا نیز به چنین اتفاقی؛ اما آگاهانه و از روی تعقل برای شخصیت سارا به‌وجود می‌آید. سارا با مورد تردید قرار دادن ارائه شخصیت‌های زن ضعیف و وابسته در جامعه کنونی، موضعی مقابل با آن تفکر را برمی‌گزیند و تبدیل به زنی صاحب رای، توانا، قدرتمند و مستقل می‌گردد. پری نیز دختری به نوعی آرام و یا فرمانبردار نیست؛ بلکه زنی کنشگر و معترض است که فلسفه اساس زندگی را مورد پرسشگری قرار می‌دهد. در «پری» با زنی سالک و عارف روبه‌رو هستیم که در پی یافتن عرفانی ناب و متفاوت است. لیلا نیز درحالی‌که زنی فرمانبر و تسلیم و وابسته به جامعه سنتی و معتقد به تحکیم و حفظ بنیان خانواده است، در برابر شرایط پیش آمده عصیان می‌کند. او با مورد تردید قرار دادن قربانی‌شدگی شخصیت منفعلانه‌اش، دیگر آن را نمی‌پذیرد و به این ترتیب شخصیت قبلی خود را رها می‌کند.

نگاهی به فیلم هامون

داریوش مهرجویی در آثار نوشتاری (به همراه همسر مرحومش، وحیده محمدی‌فر) و همچنین در آثار سینمایی خود، زنان را هم‌سنگ و هم‌تراز با مردان می‌نگرد و می‌کوشد در یک جامعه مردسالار این برابری را تبیین نماید و این را به داستانی‌ترین شکل ممکن انجام می‌دهد. داریوش مهرجویی پیچیده‌ترین مباحث مربوط به سلوک، عرفان و هستی‌شناسی را با ساده‌ترین زبان هنری مطرح می‌نماید. به روایتی دیگر، فیلم‌های مهرجویی خیلی فیلم‌های فلسفی و پیچیده‌ای نیستند و حاوی نشانه‌های زیادی هستند که قابلیت تحلیل آن را افزایش می‌دهد. داریوش مهرجویی هم در فیلم سینمایی «هامون» این کار را به زیباترین شکل انجام می‌دهد، درست است که در این فیلم شخصیت

هم نیست. (مریم بانو) محور اصلی فیلم است و به‌عنوان سمبل رفت معرفی می‌گردد. ابتدای فیلم با بی‌وفایی همسرش روبه‌رو شده و جهت پر کردن تنهایی‌اش به همسایه‌های بی‌خانمان در خانه ویلایی‌اش پناه می‌دهد و حضور آن‌ها باعث می‌شود احساس شادمانی داشته و جای خالی همسرش را احساس نکند. از یک جایی به بعد، متوجه می‌شود که آن‌ها از احساس رؤف بودن و مهربانی‌اش سوءاستفاده نموده و درحال غارت وسایل با ارزش منزلش هستند. مرحومه بیبا فرهی با نقش‌آفرینی طنازانه خود، به‌خوبی توانسته احساس زنی تنها و از عمق دل‌شکستگی تا اوج امیدواری و شوروشعف به نمایش بگذارد. بخش مهمی از جذابیت نقش به شخصیت‌پردازی استادانه داریوش مهرجویی برمی‌گردد؛ اما بیبا فرهی چنان باورپذیر نقش بانو را بازی کرده که احساس می‌کنیم ما هم همراه او از تمام بی‌مهری‌ها زخم خورده‌ایم.

بانو، اولین فیلم از آثار زنانه مهرجویی است (هرچند فیلم در سال ۱۳۷۰ ساخته و پس از اکران در جشنواره فیلم فجر تا سال ۱۳۷۶ توقیف بود) که بر محور شخصیت اصلی زن فیلم، مریم بانو (بیبا فرهی)، استوار گشته است. با توجه به نقل قول داریوش مهرجویی: «از بانو به بعد بود که حواسم متوجه زن در جامعه‌مان شده بود» (قره شیخلو و وفایی، ۱۳۸۸، ۲۵۰). مهرجویی به نامی که برای فیلم خود (بانو) نهاده تا پایان پای‌بند است. ترک خانه و همسر در انتهای فیلم، حکایت از قدرت تصمیم‌گیری قاطع وی دارد تا احساس شکست در برابر معضلات پشت سر گذاشته‌اش. درواقع او با نامه‌ای که برای همسرش در خانه نوشته و باقی می‌گذارد، نشان می‌دهد که وی قصد فرار از مسائل خانوادگی را نداشته است.

در مجموع می‌توان چنین گفت: «عنصر زن در این فیلم، نه با حرکت و تصمیم از پیش تعیین شده؛ بلکه با سکوت و انفعال خود در برابر وقایعی که بر او وارد می‌شوند، به نوعی آرامش درونی رسیده است» (محمدکاشی، ۱۳۸۲، ۷۳۲). در فیلم سینمایی «بانو» تصویر متفاوتی از زنان طبقه مرفه را می‌بینیم که متعادل‌تر و عادی‌تر رفتار می‌کند و فارغ از پزهای عوام‌گرایانه یا روشنفکری، تصویری از شرایط بسیار نابسامان روشنفکران کلاسیک ارائه می‌دهد.

نگاهی به فیلم پری

فیلم سینمایی «پری» با نقش‌آفرینی بی‌نظیر نیکی کریمی، یکی از آثار ماندگار سینمای ایران است که در سال ۱۳۷۳ فیلمنامه آن توسط داریوش مهرجویی نوشته و کارگردانی شده است. داریوش مهرجویی برای ساختن این اثر سینمایی، به سراغ داستان فرنی و زویی نوشته جی دی سلینجر و همچنین داستان کوتاه «یک روز خوش برای موزماهی» از همین نویسنده رفته است. داستان درباره شخصیتی به نام پری، دختر جوانی است که در رشته ادبیات فارسی تحصیل می‌کند. با خواندن کتابی سبز رنگ درباره سبوسلوک عارفانه، دچار تحولات عمیق روحی و روانی می‌شود. او این کتاب را از اتاق برادر بزرگ‌ترش، به نام اسد (با نقش‌آفرینی مرحوم خسرو شکیبایی) برداشته که خود و همسرش را در

اصلی حمید هامون است؛ اما در عین حال مهشید هم حضوری تعیین‌کننده و فعال را در دنیای خودش دارد.

فیلم سینمایی هامون، داستان مردی است که قصد دارد رساله دکتری خود را درباره نقش تضاد میان ایمان و عقل، در قالب داستان قربانی کردن اسماعیل توسط ابراهیم و به نقل از فیلسوف اگزیستانسیالیست، سون کی یو کگور، به رشته تحریر درآورد. در دیگر سو، او در میانه، بین سنت و تجدد گرفتار آمده است. به عبارت دیگر، داستان ایمان ابراهیم، همان جهان سنت و متعلق به دیروز (در بعد زمانی) است که عقل و منش حسابگرانه؛ یعنی دنیای متجدد امروز، از درک و فهم عمیق آن عاجز و ناتوان است. مهرجویی به تاسی از کتاب (آسیا در برابر غرب) نوشته داریوش شایگان، حمید هامون (قهرمان این فیلم) را جلوه‌ای از ضمیر ناخودآگاه جمعی در حال گذار می‌داند (مهرجویی، ۱۳۷۵، ۵۴۳). بخش از دیدگاه اجتماعی زن در فیلم «هامون» نسبت به زمینه گذر از سنت، مطالبه‌گری و عدالت اجتماعی قابل تأمل است. داریوش مهرجویی، شخصیت مهشید را به‌عنوان زنی علاقه‌مند به دنیای کنونی و مدرن و همچنین وابسته به طبقه روشنفکر معرفی می‌کند که البته دارای دانشی توخالی بوده و همه چیز را در سطح می‌بیند.

نگاهی به فیلم سارا

شخصیت «سارا» را می‌توان به‌نوعی دومین فیلم از سه‌گانه زنانۀ داریوش مهرجویی دانست که مابین دو فیلم «بانو» و «پری» قرار گرفته است. (هرچند که در زمان اکران، فیلم بانو در زمره آخر قرار می‌گیرد) سه فیلم یاد شده، هر کدام داستان‌هایی مستقل از یکدیگر دارند. عنصری که باعث می‌شود بسیاری این سه فیلم را به‌عنوان سه‌گانه داریوش مهرجویی معرفی نمایند، ارتباط محتوایی و درونی آن‌ها با یکدیگر و پرداختن به هویت فکری و اجتماعی نقش «زن» در هر کدام است.

حسام (با بازی مرحوم امین تارخ) برای درمان بیماری که به‌صورت ناگهانی با آن مواجه شده، مجبور می‌شود به خارج از کشور سفر کند. سارا همسر او، مخارج سفرش را تأمین کرده؛ اما می‌گوید که این مقدار هزینه را از محل ارثیۀ پدرش خرج کرده است. حسام از بند بیماری مهلک‌رهایی می‌یابد. سارا که پنهان از چشم شوهرش با کار سخت و مداوم خیاطی سعی می‌کند بدهی‌های خود را به فردی با مطامع شخصی که به موقعیت کاری حسام پیوندخورده، پرداخت کند. گشتاسب (با بازی خسرو شکیبایی) مردی که به سارا کمک مالی کرده‌است، متهم به جعل اسناد شده و توسط حسام (مدیریت مجموعه‌ای در بانک) برکنار می‌گردد و حال می‌خواهد، موقعیت شغلی حسام، همسر سارا را در بانک دچار مخاطره کند و از سارا می‌خواهد از طریق اعمال نفوذ خود بر حسام که حالا رئیس بانک شده‌است، در شغل سابق ابقاء گردد. سارا خود نیز می‌داند که امضای پدرش در اسنادی که به‌صورت ضمانت جهت دریافت پول به گشتاسب داده، جعل شده؛ چون خود او امضای پدرش را جعل کرده‌است. وقتی حسام پی به واقعیت امور می‌برد، در جریان یک نزاع لفظی می‌گوید که او را لایق زندگی و معاشرت با خود و فرزندان‌ش ندانسته و طردش می‌کند. سارا آزرده از بیرحمی و بی‌عدالتی

همسر، در قبال رنجی که به‌خاطرش متحمل شده، ناگزیر خانه و زندگی او را به‌صورت ناگهانی ترک می‌گوید. «سارا» که زنی سنتی، پایبند به اصول مذهبی و عرفی است، با مشاهده وضعیت فعلی، خواهان به دست آوردن جایگاه محق خود به دور از کج‌اندیشی‌های عوامانه است. او تمایل به شکستن تابوی شکل گرفته از خود را دارد.

نگاهی به فیلم لیلا

فیلم سینمایی لیلا، فیلمی به کارگردانی داریوش مهرجویی است که در سال ۱۳۷۵ ساخته و اکران گردید.

در فیلم سینمایی لیلا همه چیز از مراسمی سنتی با دوره‌می اعضاء خانواده آغاز می‌گردد. پخت شله‌زرد نذری و آشنایی با شخصیت رضا. لیلا (با نقش آفرینی لیلا حاتمی) نیز در دامن همین افکار سنتی بزرگ شده است. او با رضا ازدواج می‌کند؛ اما لیلا بچه‌دار نمی‌شود. مادرشوهری (با بازی درخشان مرحوم، جمیله شیخی) که تمنای داشتن نوه‌ای (به شرط پسر بودن) از تنها فرزند پسرش دارد، به لیلا فشار می‌آورد تا به ازدواج مجدد پسرش، تنها به قصد بچه‌دار شدن اهتمام ورزد؛ اما تناقضات ذهنی لیلا، مانع از آن می‌گردد تا پیامدها و عواقب تصمیمش را بپذیرد و بار آن را تا انتها بر دوش کشد. شخصیت لیلا، نمونه‌ای از زنانی است که در برابر سنت‌های غلط خانوادگی قرار گرفته‌اند. پیام فیلم، فمینیستی صرفاً طرح مسائل زنانه نیست و کنش وی از منظر وجدان، به معنای عقب‌نشینی متعارف در برابر سنت‌های سخت خانواده نیست (امیدواری، معقولی، ۱۳۹۶). فیلم «لیلا»، یک زن منفعل را با مخاطب مواجه می‌کند که برای رضایت همسر خود در هر شرایطی، تن به از دست دادن جایگاهش در پیوند زناشویی می‌دهد و حس پدر شدن همسرش را به‌راحتی می‌پذیرد و با رضایت تن به دیدگاه سنتی خانواده همسر می‌دهد و زمانی از این کار پشیمان می‌شود که کار از کار گذشته و راهی دیگر برای بازگشت نمانده است.

در اوایل دهه هفتاد، عنصر «زن» در آثار سینمایی داشت از پوستۀ کلیشه‌ای و تکراری خود خارج شده و چهارچوب و تابوی از پیش تعریف و تعیین شده را می‌شکست و به‌جای آنکه در حد و اندازه کلیشه شده، یک «تیپ» خانه‌دار باقی بماند و زندگی خود را در منزل و اطاعت از همسر خلاصه کند، پوست می‌انداخت و به یک زن زنده مطالبه‌گر، کنشگر و قابل لمس تبدیل می‌شد.

اگر بخواهیم خیلی خلاصه‌وار چنین نگاهی را در بعضی از آثار داریوش مهرجویی بررسی نماییم، به شخصیت «مهشید» در فیلم سینمایی «هامون» می‌رسیم که یک زن نقاش آزاد بود و شبیه تمامی آدم‌های واقعی در جامعه و همچنین سرشار از نقاط قوت و ضعف است. تفاوت ماهیت‌گونه «مهشید» با تیپ‌های پیش‌ساخته زنان گذشته در سینما، عصیان‌ش در برابر پیوندی بود که دیگر نمی‌خواست به شکل سنتی در آن باقی بماند. مهشید یک تصویر پرنرگ، ملموس و متفاوت از زن متفکر ایرانی را ارائه می‌نمود که چه در کنش، رفتار و چه در پوشش، انگار به‌نوعی تصویر نوینی از عنصر زن را در سینما به تصویر کشیده بود.

می‌توان به این برداشت نهایی رسید که در فیلم‌های این کارگردان فقیذ و یگانه، ما با آدم‌هایی تکراری مواجه نمی‌شویم و او همچنان تفکر و ایده‌آل‌های فکری‌اش را مدام در آثار خود تکرار نمی‌کند.

البته فیلم سینمایی «هامون» بیشتر از آنکه روی شخصیت خاص و نوین مهشید و جزئیات کنش‌های رفتاری‌اش متمرکز باشد، با محوریت حمید هامون و عصیان‌های روحی او پیش می‌رود. به همین دلیل است که داریوش مهرجویی تقریباً دو سال بعد، فیلم «بانو» را ساخت که به نوعی پاسخ به شخصیت‌های رها شده هامون بود و انگار نسخه کم‌رنگ‌تری از «هامون» را از زاویه دید جدید و نوین می‌آزمود و شخصیت زن را در رأس آن مورد نقد قرار می‌داد. به‌ویژه استفاده از بازیگر فیلم قبلی؛ یعنی بیتا فرهی که این ارتباط خاص بین دو فیلم را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

استاد فقیذ، داریوش مهرجویی، کارگردان پیشرو جریان موسوم به موج نو در سینمای ایران، در آثار فاخر خود بسیار عمیق به طرح و بررسی مسائل اجتماعی و انسان‌های پیرامون زندگی‌اش توجه کرده و توانسته بازتابی مؤثر از نگاه فردی خود را در سینما و مجموعه آثار فخریمش به‌وجود آورد و بر روند جریان فیلمسازی بعد از خود تأثیرگذار باشد. داریوش مهرجویی از معدود کارگردان‌هایی است که توانسته به‌صورت کاملاً موفق، اقتباس‌های بسیار جذاب، با حفظ ساختارهای سینمایی و مؤثر در جذب مخاطب را از ادبیات در سینما داشته باشد و ارتباط تنگاتنگی بین مقوله‌های سینما و ادبیات به‌وجود آورده و پیوند دهد. مهرجویی با نگارش فیلمنامه‌های محکم و ایجاد جذابیت‌های بصری برای جلب مخاطب و همچنین آگاهی نسبی از موضوعات روز جامعه (در بعدهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی) در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۶، اقدام به خلق پنج اثر سینمایی با درون‌مایه‌های اجتماعی و با محوریت مسائل پیرامونی زنان در جامعه نموده و تصویری که متفاوت و ماندگار از زنان ایرانی ارائه نموده است. حتی با وجود اقتباس فیلم بانو و یا تا حدودی فیلم سینمایی سارا، از محتوا و درون‌مایه اصیل و منطبق با آداب‌ورسوم ایرانی بهره کافی و منحصر به فردی برده است.

مهم‌ترین بخش مرور این آثار، رسیدن به این نکته مهم است که شخص داریوش مهرجویی، نگاهی عمیق، جامع، بی‌تکلف و بسیار ظریف و زیرکانه به پدیده‌های اجتماعی داشته و ما دقیقاً در آثار این کارگردان شخیص، با انسان‌ها و یا شخصیت‌هایی مواجه خواهیم بود که مابه‌ازاء و مشابه‌شان را در جامعه کنونی خود می‌بینیم. این شخصیت‌ها اگر سالک باشند (مثل شخصیت پری) و یا حتی اگر روشنفکر هم باشند (مثل شخصیت بانو) آن‌طور عارف یا روشنفکرزده غیرملموس نیستند که شکافی را در ذهن مخاطب عادی و آن جریانی که در فیلم اتفاق می‌افتد، ایجاد نمایند و به گونه‌ای دیگر می‌توان بیان داشت که همچون برخی آثار سینمایی که جریان سیال و محرک ذهن را با خود همراه دارند، سیال بودن یا حرکتشان آنچنان زیاد نیست که فضا را چندان برای مخاطب ناملموس کند.

منابع

- اسماعیلی، معصومه. (۱۳۸۸)، «تصویر عرفان فمینیستی، گزارش اجمالی از آثار داریوش مهرجویی»، حوراء، شماره سی و دوم.
- آذری، غلامرضا، تاکی، علی. (۱۳۹۰)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت زن در سینمای بیضایی و مهرجویی»، نشریه علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۷، صفحات ۹-۲۶.
- امیدواری، بهاره، نادیا، معقولی. (۱۳۹۶)، «بررسی جامعه‌شناسانه فمینیسم در فیلم لیلا و سارا اثر داریوش مهرجویی براساس الگوی نمایش جنسیت و کنش متقابل ایرونیگ گافمن، کنفرانس ملی دانش و فناوری نوین در علوم و مهندسی در عصر تکنولوژی»، دوره ۱.
- قاسمی، وحیدرضا، بابایی، احسان. (۱۳۸۷)، «بررسی پایگاه اجتماعی زن و مرد در فیلم‌های دهه هفتاد سینمای ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص ۱۳۴ - ۱۲۵. فارابی، دوره یازدهم، شماره دوم و سوم، صفحات ۹۱-۱۱۱.
- بنی اعتماد، رخشان. (۱۳۸۸)، «لزوم و ضرورت بازنمایی فمینیسم و زن‌گرایی در ساخت و فرهنگ جامعه»، مجله گزارش فیلم، شماره ۱۴.
- مهرجویی، داریوش. (۱۳۷۵)، «هامون: از زبان داریوش مهرجویی در مجموعه مقالات در معرفی و نقد آثار داریوش مهرجویی»، ویراستار ناصر زراعتی، تهران: ناهید، تهران، ص. ۵۴۳-۵۴۰.
- میرفخرایی، نژاد و فتحی، اسماعیل. (۱۳۹۰)، «تصویر زن در سینمای نخبه‌گرا و عامه‌پسند دهه هفتاد سینمای ایران، فصلنامه فرهنگ و ارتباطات»، سال اول، شماره اول، بهار.

Analyzing and examining the components of women's personal and social identity in the works of Dariush Mehrjoui (a case study of the films Hamon, Banu, Sara and Leila)

Abstract

The late professor Dariush Mehrjoui, director, writer, translator and prominent Iranian poet, in his lasting works of art, clearly and prominently examines the high cultural and social position of women in the society and criticizes and explores it. In most of the prominent cinematographic works of Dariush Mehrjoui, the image of women is presented as powerful, colorful, pivotal and independent characters. From his point of view, women are shown as the main pillars and supports in the family as well as in its wider dimension, i.e. the society, and women also play multiple roles in maintaining family solidarity and realizing independent intellectual natures in society. . In addition, women in the works of Dariush Mehrjoui (especially in the films Sara, Pari, Banu and Leila) are the main focus of the story and have a significant and impressive impact on the process of the formation of events in the context of the film. As a writer, with his creative pen, he has succeeded in criticizing the problems, gender inequalities and idealism and social contradictions that have been inflicted on the women of this country in the current society. By designing highly targeted scripts, he shows the lives of women in critical and challenging situations. Professor Mehrjoui shows in most of his prominent works that women need social mobility to achieve their desired civil and cultural position. In general, Dariush Mehrjoui's view of the cultural and social status of women in his works is accompanied by an emphasis on questioning, seeking justice, idealism, and independence of women. They insist on this belief and thinking that the improvement of the position of women in the society should begin with a change and revision in the general social and cultural attitude of the society. We address this issue and criticize their outstanding role from the perspective of Professor Dariush Mehrjoui.

Keyword: Dariush Mehrjoui, women, society, culture, social, film.